

# حدود اعتبار مهریه‌های سنگین و نامتعارف از منظر فقه امامیه و حقوق مدنی ایران

وحید کاظمی

کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات تهران (یزد)

Email: vahidkazemi86@yahoo.com

...

## چکیده

در فقه امامیه و قانون مدنی ایران برای مهریه سقفی تعیین نشده و میزان آن به توافق طرفین محول شده است ولی در گذر زمان این نوع نگرش متحول شده و مهریه به طور بی‌رویه افزایش یافته و به یک مسأله اجتماعی تبدیل شده است. مطالعات انجام‌شده در این مقاله بیانگر این مطلب است که در منابع فقهی، مهریه‌های سنگین و نامتعارف که ادای آن خارج از توان مرد است به علت غیر مقذور التسلیم بودن باطل شناخته نشده‌اند. به عکس در مقررات و مبانی حقوق ایران و با استناد به قواعد عمومی قراردادها می‌توان در صورتی که مبلغ مهر رقم سنگین و غیرمتعارفی را تشکیل دهد که ایفای آن غیرمقدور باشد، یا اراده جدی در پذیرش یا اجرای آن وجود نداشته باشد، یا میزان آن آنقدر زیاد باشد که از دید عرف پذیرش چنین تعهدی عقلایی نباشد، می‌توان میزان مهریه را با توجه به سه قاعده مقذورالتسلیم بودن، قصد جدی داشتن در توافقات و عقلایی بودن، محدود به حدودی که مقذور و متعارف باشد نمود.

## کلمات کلیدی:

مهریه، نامتعارف، مهر سنگین، غیر مقذور التسلیم

## مقدمه

یکی از مسائل مبتلا به جامعه کنونی ایران که به نوعی تهدیدی است بالقوه علیه ثبات کانون خانواده، وجود مهریه‌های سنگین و نامتعارف است. ازدواج همواره در هر جامعه‌ای با تهدیدهایی روبه‌رو بوده است. یکی از این تهدیدها که در گذشته هم جامعه ایران با آن روبه‌رو بوده، اما امروز شکل گسترده‌تری به خود گرفته تعیین مهریه‌های سنگین در عقد نکاح دائم است. اگرچه در حوزه‌های دینی به سبک گرفتن مهریه توصیه شده است، در گذر زمان این نوع نگرش متحول شده، مهریه به طور بی‌رویه افزایش یافته و به معضلی اجتماعی تبدیل شده است. از این رو، بررسی همه‌جانبه و ریشه‌یابی آن و ارائه راه‌حل‌های ممکن ضروری به نظر می‌رسد (کاظمی، 1393: 3).

با توجه به اینکه امروزه مفهوم مهریه از دیدگاه خانواده‌ها، علی‌الخصوص دختران کاملاً متحول شده و در واقع آن را وثیقه نکاح می‌انگارند نه هدیه و عطیه، لذا بر آن‌اند تا با مطالبه مهریه‌های سنگین، تضمینی برای آینده خود رقم بزنند اما غافل از اینکه هنگامت بودن مهریه متضمن معایب و مشکلاتی خواهد بود. از یک طرف زوج به دلیل سنگین بودن مهر هرگز قادر به تأدیه آن نیست یا اینکه اصلاً در همان زمان عقد قصد پرداخت ندارد؛ که نهایتاً با مطالبه زوجه مطابق ماده 2 قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی زوج تا زمان پرداخت در حبس خواهد ماند مگر آنکه اعسار خود را ثابت کند. از طرف دیگر زن خواهان استیفای حق قانونی و شرعی خویش است که این مهم با وجود این‌گونه مهریه‌ها و در حصر بودن مرد و یا به تقسیط پرداخت شدن آن حاصل نخواهد شد. لذا این معضل سبب شد تا با تبیین مفهوم مهریه سنگین و نامتعارف و تعدیل سازی آن به راه‌حلی دست یابیم که هم از اضرار به زوجه جلوگیری شود و هم زوج که با شرایط اقتصادی کنونی توان پرداخت این قبیل مهریه‌ها را ندارد از دغدغه مذکور خلاصی و با طیب خاطر جهت ارتقاء زندگی خویش تلاش کند.

## سوالات تحقیق

- 1- آیا مهریه سنگین و نامتعارف در حقوق اسلام مشروع است؟
- 2- حدود اعتبار مهریه‌های سنگین و نامتعارف از نظر فقهی و حقوقی تا چه اندازه است؟

## فرصه‌های تحقیق

- 1- ظاهر در این است شرع انور اسلام برای مهر میزان و حد معینی مقرر نکرده و مقدار آن را به تراضی طرفین گذاشته اما در کتب مذهبی به قلت میزان مهر توصیه و بر استحباب آن تأکید کرده‌اند.
- 1- مطالعه منال فقهی نشان می‌دهد مهریه‌های سنگین و نامتعارف که ادای آن خارج از توان مرد است به علت غیرالمقدور التسلیم بودن باطل شناخته نشده‌اند. اما از نظر حقوقی با استناد به قواعد عمومی قراردادها می‌توان عنوان داشت که در صورتی که مبلغ مهر رقم سنگین و غیرمتعارفی را تشکیل دهد که ایفای آن غیرمقدور باشد، یا اراده جدی در پذیرش یا اجرای آن وجود نداشته باشد، یا میزان آن آنقدر زیاد باشد که از دید عرف پذیرش چنین تعهدی عقلایی نباشد، می‌توان میزان مهریه را با توجه به سه قاعده مقدورالتسلیم بودن، قصد جدی داشتن در توافقات و عقلایی بودن، محدود به حدودی که مقدور و متعارف باشد نمود.

## اهداف تحقیق

- 1- تحلیل پیرامون مفهوم مهریه‌های سنگین و نامتعارف؛
- 2- تبیین حدود اعتبار مهریه‌های سنگین و نامتعارف از منظر فقه امامیه و حقوق مدنی و عندالاقضاء پیشنهاد جهت رهایی از این معضل؛

## روش تحقیق

با توجه به عنوان پژوهش هدف «میزان اعتبار مهریه‌های سنگین و نامتعارف» است، لذا از روش توصیفی - تحلیلی استفاده می‌شود و در این راستا، برای جمع‌آوری مطالب از روش کتابخانه‌ای، میدانی و همچنین از مقالات و اطلاعات صاحب‌نظران حقوقی استفاده شده است.

## 1- تعریف مهر

### - لغوی

مهر واژه‌ای عربی است و از لحاظ لغوی به معنای «عوض» به کاررفته است. (البُستانی، 1993 م: 867). در فارسی آن را کابین گویند. (معین، 1347، ج 4: 4462) / صفایی، 1376: 148 / محقق داماد، 1376: 223. برای مهر اسامی دیگری آمده است که عبارت‌اند از: صدق، صدقه، نخله، فریضه، أجر، علائق، عُقر، حِباء، دست پیمان (دهخدا، 1373: 19335).

### - اصطلاحی

در اصطلاح حقوقی «مهر» عبارت از مالی است که به مناسبت عقد نکاح، از طرف شوهر به زن تملیک شده و شوهر ملزم به پرداخت آن به زن است. (طاهری، 1418 ه.ق، ج 3: 161). البته این تعریف مهرالمسمی است نه تعریف کلی از مهریه.

## - مفهوم مهر نامتعارف و سنگین

مفهوم مهر نامتعارف و سنگین در کتب فقهی و حقوقی مورد اشاره قرار نگرفته است، لذا می‌توان گفت که مهر سنگین و نامتعارف همان تعریف اصطلاحی مهر بر آن حاکم است با این وصف که چنین مهریه‌های سنگینی نزد اهل عرف به خاطر میزان آن ضمانت اجرای خوبی برای جلوگیری از طلاق است. ممکن است میزان مهر نامتعارف و سنگین نسبت به عرف هر محل متفاوت باشد و نمی‌توان برای آن حدودی تعیین نمود (کاظمی، 1393: 16).

## 2- مشروعیت مهریه

مهر به عنوان یکی از امتیازاتی است که شریعت اسلام برای زن قائل شده است و تشریح آن با در نظر گرفتن آیاتی از قرآن کریم، احادیث و روایاتی از معصومین (علیهم السلام) ثابت است. فقهای امامیه دلیل مشروعیت مهر و لزوم پرداخت آن را کتاب و سنت و روایات می‌دانند و گفته‌اند: «الأصل فی الصداق کتاب الله تعالی و سنه رسول الله صلی الله علیه و آله» (طوسی، 1387 ه.ق، ج 4: 271 / راوندی، 1405 ه.ق، ج 2: 102 / حلی، 1410 ه.ق، ج 2: 576) یعنی: دلیل تشریح در مهر کتاب خداوند و سنت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) می‌باشد.

## 1-2- قرآن

در قرآن آمده است: «وَأَتُوا النِّسَاءَ صَدَقَاتِهِنَّ نِحْلَةً فَإِنْ طِبْنَ لَكُمْ عَنْ شَيْءٍ مِنْهُ نَفْسًا فَكُلُوهُ هَنِيئًا مَرِيئًا» (النساء، الجزء 4، الآية 4) یعنی؛ و مهر زنان را (بطور کامل) به عنوان یک بدهی (یا عطیه)، به آنان بپردازید. (ولی) اگر آنها چیزی از آن را با رضایت خاطر به شما ببخشند، حلال و گوارا مصرف کنید.

## 2-2- قانون مدنی

نگاه قانون مدنی و تبصره الحاقی در سال 1376 بر ماده 1082 قانون مدنی حاکی از عنایت ویژه قانونگذار به زن است؛ چرا که به موجب آن، چنانچه مهریه زوجه وجه رایج باشد، متناسب با تغییر شاخص قیمت سالانه زمان تأدیه نسبت به سال اجرای عقد، که توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران تعیین می‌گردد، محاسبه و پرداخت خواهد شد، مگر اینکه زوجین در حین اجرای عقد، به نحو دیگری تراضی کرده باشند. با وجود این، عده‌ای دیگر از حقوقدانان با استناد به ماده 233 قانون مدنی، مهر را از مقتضیات ذات عقد و چنانچه احیاناً عقد بدون مهر واقع گردد، صرفاً شرط را باطل شمرده‌اند (جعفری لنگرودی، 1376: ص 136). آنچه گذشت به مفهوم بهانه برای سوء استفاده از مهریه نیست تا عقد بدون مهریه واقع گردد و پس از آن تراضی بر آن به وجود نیاید و با کوچک‌ترین بهانه، عرصه زندگی بر زن تنگ و سخت شود. (حبیبی تبار، 1380: 190).

## 3- جواز مهریه‌های نامتعارف و سنگین

در ارتباط با حداکثر مهریه در فقه امامیه دو نظر وجود دارد. به نظر مرحوم سید مرتضی نمی‌توان مهریه را بیش از پانصد درهم قرار داد، به این میزان مهر السنه گفته می‌شود و مراد مقدار مهری است که پیامبر اسلام (ص) به عنوان مهریه برای تمام همسرانشان قرار داده‌اند. به عقیده سید مرتضی، اگر مهر را بیش از این مقدار قرار دهند، باید آن را به مهر السنه باز گردانند. (سید مرتضی، 1415: 292). ایشان در این زمینه مدعی اجماع شده و قول مخالف را به علمای عامه نسبت می‌دهد. این نظر را به مرحوم اسکافی و صدوق نیز نسبت داده‌اند (نجفی، 1367: 15). اما مشهور امامیه بر این اعتقادند که اندازه‌ای خاص از جهت کمی و زیادی در مهر معتبر نیست (حلی، 1370: 546 / مامقانی، 1404: 371 / آشتیانی، بی‌تا: 264). بنابراین، هر مالی چه کم بها چه گران را می‌توان مهر قرار داد. البته نباید مقدار مهر آن اندازه کم باشد که هیچ قیمتی نداشته باشد. ماده 1080 قانون مدنی ایران نیز مقرر می‌دارد: «تعیین مقدار مهر منوط به تراضی طرفین است» این ماده کاملاً منطقی است. چون توافق راجع به مهر یک قرارداد تلقی می‌شود. بناً به اصل آزادی قراردادهای طرفین می‌توانند میزان آن را خود تعیین نمایند. بنابراین، معلوم شد تعیین مهریه‌های سنگین صرف‌نظر از قدرت بر ادای آن نامشروع و باطل نیست. البته باید دانست که تعیین مهر سنگین به خودی خود امری پسندیده نیست. به گفته علمای فقه اولاً تقلیل مهر مستحب است و ثانیاً افزون بر میزان مهر السنه، مکروه و ناپسند می‌باشد (حلی، 1370: 547). قابل ذکر است که هر چند در آیه 20 سوره نساء حد اعلائی برای مهر ذکر نشده اما آیه در مقام ترقیب به مهریه‌های بالا نیز نیست و منطوق آیه مردان را از ضایع کردن مهر همسران خود هر چند مقدار آن بسیار زیاد باشد، منع می‌کند و در آن ترغیبی به مهر سنگین دیده نمی‌شود (غزالی، 1402: 390).

## 4- عوامل و دلایل تعیین مهریه‌های نامتعارف و سنگین

به‌طور کلی می‌توان عوامل افزایش مهریه در عصر حاضر را در چند مورد خلاصه کرد:

### 1) مهر به عنوان وثیقه نکاح یا جریمه طلاق

به گمان اکثر خانواده‌های ایرانی، چون معمولاً دختران بدون آشنایی کافی با شخصیت و اخلاق پسران، به ازدواج تن می‌دهند، مهر باید هنگفت و سنگین باشد تا اختلاف جزئی شیرازه زندگی را از هم نگسلاند. از این لحاظ، مهر تضمین و وثیقه زندگی زناشویی محسوب می‌شود. از طرف دیگر، چون میزان مهریه به قدری است که شوهر معمولاً قادر به پرداخت آن نخواهد بود، در طول زندگی زناشویی، زن آن را مطالبه نمی‌کند، هر چند قانوناً از شوهرش طلبکار است و در صورت

جدایی و طلاق، می‌تواند نسبت به مطالبه و اخذ مهریه اقدام کند. این به معنی جریمه طلاق است. به این ترتیب، در عرف کنونی ایران، مهر، ماهیت اسلامی خود را که هدیه و عطیه است از دست داده و به صورت وثیقه نکاح یا جریمه طلاق در آمده است (یوسف زاده، 1384).

## 2) غلبه روحیات اقتصادی و نگرش‌های مادی

یکی از علل افزایش مهریه، وقوع تغییراتی در نظام باورها، نگرش‌ها، رفتارها و انتظارات اکثر افراد جامعه است که به تبع ناشی از تغییرات کلی در نظام اجتماعی و ارزش‌ها و هنجارهای حاکم بر جامعه می‌باشد. به مقتضای این تبیین، اشتغالات برون خانگی زنان و امکان ایفای نقش‌های متنوع در عرصه‌های اجتماعی و دریافت پاداش‌های مناسب، آنان را بیش از پیش به ارزش استعدادها، کارایی‌ها و نقش ایشان متوجه نموده است. این خودآگاهی، زنان را همانند مردان، سوداگر و محاسباتی می‌نماید. بنابراین آنچه زن و وابستگان او را به مطالبه مهریه زیاد بر می‌انگیزد، عدم تفاوت روشن میان دو محیط کار و خانه است (کاظمی، 1393: 54).

## 3) عدم استیفای حقوق کامل زن

در این نظریه بیان می‌شود که زیاده‌ی مهریه محصول غیر مستقیم متروک ماندن سایر الزامات حقوقی زنان است. از جمله حق اساسی و فراموش شده‌ی دریافت اجرت خدمات و فعالیت‌هایی است که زن به طور طبیعی یا براساس انتظارات نهادی شده و سیره مستمر عرف، ملزم به انجام آن شده است. اگر عرف در پرداخت اجرت خدمات خانگی تسامح نمی‌کرد و زن با امید به دریافت پاداش مناسب در انجام خدمات، نگرانی‌های خود را نسبت به آینده از بین می‌برد، میزان مهریه هرگز افزوده نمی‌شد (یوسف زاده، 1384).

## 4) بالا رفتن هزینه‌ها و تشریفات ازدواج

افزایش مهریه، طبق برخی تحلیل‌ها پیامد افزایش روزافزون هزینه‌ها و تشریفات متنوع و پرخرج ازدواج همچون تهیه جهیزیه کامل به وسیله خانواده دختر را در پی دارد. رسم نسبتاً رایج در عرف جامعه ایران این است که خانواده دختر معمولاً تهیه برخی هزینه‌ها به ویژه جهاز یا دست‌کم اقلام ضروری را بر خود لازم می‌دانند. شدت التزام به این سنت در برخی مناطق تاحدی است که خانواده‌های فقیر، صرفاً به انگیزه حفظ آبرو یا رهایی از احساس شرمندگی در مقابل فرزند خود مجبور به تأمین آن شوند. (یوسف زاده، 1384).

## 5) چشم هم چشمی

مهم‌ترین عامل افزایش مهریه در سال‌های اخیر که نویسندگان و کارشناسان بسیاری نیز بدان اشاره کرده‌اند، عامل چشم هم چشمی است. «به این معنا که فرد یا خانواده او وضعیت بالای مادی اقوام یا همسایگان یا دیگران را ملاک قرار می‌دهد و به دست و پا می‌افتد که خود را هم‌تراز آنان قرار دهد.» (انصاریان، 1376) این عامل در بسیاری از ارزش‌گذاری‌های ظاهری مردم ایران مشهود است (برای مطالعه بیشتر رجوع کنید رفیع‌پور، 1378: 109).

## 5- معایب مهریه‌های سنگین و نامتعارف

مهریه‌های سنگین متداول در جامعه کنونی ایران، معایب عدیده‌ای را در بر دارند که از نظر اجتماعی و حقوقی قابل انکار نیست. از جمله:

1) مطابق مقررات شرعی و به موجب مواد 1082 و 1085 قانون مدنی، به مجرد اجرای صیغه عقد ازدواج، ذمه زوج، به مهر، مشغول و مدیون می‌شود و زوجه هر موقع بخواهد می‌تواند آن را از شوهرش مطالبه کند. اگر شوهری، قصد پرداخت

مهر همسرش را نداشته باشد، طبق فتاوی برخی از مراجع تقلید، عقد صحیح است، ولی زوج، مهر را باید بدهد (طباطبایی بروجردی، 1348: 512). به دلیل عدم تصور منفعت عقلایی برای تعهد زوج جهت تسلیم یا تأدیه مهر سنگین (بند 2 ماده 232 قانون مدنی) و بطلان التزامات غیرممکن، تردیدی در بطلان مهر (در صورت عدم قدرت عرفی زوج بر تسلیم یا تأدیه مهر سنگین) نمی‌توان داشت.

2) در نظر اکثر فقهای امامیه، نکاح نوعی عقد معوض یا شبه معوض است، بضع و مهر به منزله عوضین می‌باشند و زن می‌تواند مادامی که مهرش را اخذ نکرده است از تمکین و نزدیکی امتناع کند اگر چه شوهر معسر باشد (امامی نمینی، 1393: 40). حال اگر بعد از وقوع عقد نکاح و قبل از نزدیکی، زن مصراً مهر خود را مطالبه کند با توجه به سنگین بودن مهر و عدم امکان تأدیه آن از سوی شوهر، در صورت اقامه دعوی از سوی زن، شوهر به پرداخت مهر محکوم خواهد بود و چون امکان پرداخت برای او نیست تا زمان پرداخت در حبس (زندان) خواهد ماند، مگر اینکه اعسار خود را ثابت کند (ماده 2 قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی 1377).

3) در صورت وفات زوج یا زوجه بعد از عقد و قبل از نزدیکی، وراثت، شرعاً و قانوناً به تأدیه دیون مورث خود، از بابت مهر در حق زن یا ورثه او ملزم هستند. در صورت سنگین بودن مهر، ممکن است حتی تمام میراث و ماترک میت، برای مهر کفاف نداشته باشد. در واقع، مهر سنگین ممکن است موجب محرومیت ورثه از ارث شود (امامی نمینی، 1386: 40).

4) مهر سنگین و نامتعارف یکی از علل مهم فرار جوانان مسلمان از ازدواج است. جوانانی که به موازین شرعی و احکام اسلامی پایبند هستند، معمولاً زیر بار دین سنگین که هرگز نتوانند برائت ذمه حاصل کنند، نمی‌رود. (امامی نمینی، 1386: 40) نتیجه اینکه مهر سنگین و نامتعارف سبب تقلیل آمار ازدواج می‌شود.

## 6- تعهد آور بودن توافق مربوط به مهریه

در فقه معمولاً نظریه استقلال مهریه نفی شده است (نجفی، 1367: 15). برخی نیز تصریح به اینکه مهر عوض بضع نیست، اجرای شرایط عمومی صحت معاملات را در مهر ضروری نمی‌دانند (خمینی، 1403: 266). به نظر می‌رسد بر همین اساس در مقام شرح و تفصیل شرایط صحت مهر تنها به ذکر آنچه از نصوص فقهی به صراحت بدست می‌آید اکتفا کرده‌اند. و سایر شرایط صحت معاملات از جمله مقدور الاجرا بودن یا مقدور التسلیم بودن مهر را متذکر نشده‌اند.

اما دقت در موضوع نشان می‌دهد ضرورت اموری همچون معین بودن و مقدور التسلیم بودن، نه به خاطر وجود یک قرارداد و سپس تطبیق شرایط صحت قرارداد بر آن وضع شده، بلکه به منظور تأمین تعهدات ناشی از عقد برقرار شده است. به عبارت دیگر، این شرایط در واقع شرایط تعهدی است که متعهد باید به آن پایبند باشد. بنابراین، هرچند دلایل استقلال قراردادی مهریه به کمال نرسد، چون تردیدی در الزام آور بودن مهرالمسمی به عنوان یک تعهد تمام عیار نداریم، مهر المسمی باید مقدور التسلیم باشد. در غیر این صورت تعهدی غرری و بی‌ارزش خواهد بود.

با این حال و علی‌رغم وجود مقرراتی مانند ماده 1073 قانون مدنی، که در ظاهر تخلف از شرایط مقرر جهت مهر را موجب عدم نفوذ نکاح تلقی کرده، مقررات دیگری از جمله ماده 1069 قانون مدنی نیز وجود دارد که شرط خیار را تنها در مهر و مستقل از نکاح، جایز می‌داند و از طرفی استقراء نشان می‌دهد، خیاری بودن مختص ماهیات و منشآت حقوقی‌ای است که موجب انشائی مستقل در عالم اعتبار ساخته شده‌اند. صحت نکاح در فرض بطلان مهریه نیز به خوبی نشان می‌دهد مهر از ارکان نکاح به شمار نمی‌رود و به صورت یک عقد تبعی در کنار نکاح مطرح است. این عقیده در فقه نیز بی‌سابقه نیست (طوسی، 1407: 364).

## 7- محدوده استناد به قاعده غرر در مهریه‌های غیر مقدور التسلیم

در ارتباط با محدوده استناد به قاعده غرر برای حکم به ابطال مهریه‌های غیر مقدور التسلیم، ذکر چند نکته ضروری است که به شرح آن می‌پردازیم:

1) در تمامی مواردی که مهریه به علت داشتن خصوصیتی در طبع خود و یا به علت وضعیت زوج مقدور التسلیم نباشد و از طرفی وضع به گونه‌ای باشد که عادتاً و طبق روال عادی امور، ادای آن مهر غیرممکن باشد، استناد به قاعده غرر یا خطر موجه نیست. چون غرر و خطر در موردی صادق است که احتمال تسلیم نیز عرفاً ولو به صورت ضعیف وجود داشته باشد. اما اگر وضعیت به گونه‌ای باشد که احتمال عقلایی و عرفی مناسبی ولو به طور ضعیف مبنی بر مقدور التسلیم بودن وجود نداشته باشد، استناد به قاعده غرر موجه نیست (انصاری، 1374: 127). هر چند از منظر حقوقی این نوع مهریه نیز به علت غیرمقدور التسلیم بودن باطل خواهد بود. چرا که مقدور التسلیم بودن در حقوق ایران شرطی علیحده است و صدق عرفی آن بر این مورد نیز محرز است. اما در فقه برای بررسی شرط قدرت بر تسلیم باید به مبانی آن مراجعه کرد و با مراجعه به مبانی و مطالعه مفهوم غرر روشن می‌شود زمانی می‌توان ناتوانی بر تسلیم را غرری دانست که لااقل امکان عرفی بر تسلیم آن وجود نداشته باشد، از ادله دیگری استفاده شده است (انصاری، 1374: 127).

2) ممکن است گفته شود، بر عهده گرفتن مهریه سنگین توسط مرد در صورتی که تأدیه آن خارج از توانایی او باشد، عملی غیرعقلایی و سفهی است و به علت سفهی بودن توافق مزبور باطل و بی‌اثر است. اما واقع این است که ممکن است مرد به علت علاقه فراوان به وصلت و انگیزه فوق‌العاده به تحقق نکاح و جلب رضایت طرف مقابل مهریه سنگینی بر عهده گرفته باشد و این قبیل اقدامات از امور سفهی و غیرعقلایی تلقی نمی‌شود. در همین راستاست که مرحوم شیخ انصاری می‌فرماید: «نهی شارع از معامله غرری به منظور بستن باب مخاطره و پرهیز از خطراتی است که منجر به درگیری و نزاع در معاملات می‌شوند و این نهی به خاطر نهی عقلا نیست تا به افراد سفیه یا کسانی که خود را سفیه می‌نمایانند، اختصاص یابد (انصاری، 1374: 127). بنابراین به نظر می‌رسد مهریه غیر مقدور التسلیم داخل در قلمرو قاعده غرر است و به همین دلیل باطل است.

3) ممکن است که طرفین، تعهد به مهریه غیرمقدور را ضمیمه و فرع مهریه مقدور التسلیم قرار دهند. در این صورت نمی‌توان با استناد به غرری بودن توافق، مهریه مزبور را باطل دانست. (جعفری لنگرودی، 1372: 790)

## 8- قلمرو اعتبار قدرت بر تسلیم در مهر

از مطالب گذشته به دست آمد که قدرت بر تسلیم از شروط عمومی قراردادهاست و قراردادی که موضوع آن قابل تحقق نیست از نظر فقهی لغو و بی‌بهره است و عمومات صحت شامل آن نمی‌گردد. از نظر حقوقی هم قانونگذار فقط در مواد 348 و 470 قانون مدنی قدرت بر تسلیم را در خصوص مبیع و عین مستأجره آورده است و در مقررات عمومی مربوط به عقود به ویژه ماده 190 قانون مدنی یادی از این شرط نکرده، در ماده 1078 قانون مدنی نیز قدرت بر تسلیم مهر را به طور مستقل ذکر نکرده است، ولی به همان دلیلی که ذکر شد شرط یاد شده را باید از قواعد عمومی قراردادها به حساب آورد. با این همه به نظر چنین می‌رسد که مهریه وضعیت ویژه‌ای دارد و باید آن را از سایر عقود و قراردادها جدا ساخت.

توضیح اینکه اگر توانایی تسلیم، در حین عقد مورد تردید باشد و احتمال رود در آینده امکان آن فراهم شود در عقود مثل اجاره و بیع، شخص نمی‌تواند هم اکنون متعهد به انجام عملی که فعلاً ناممکن است شود و یا مالی را که اکنون تحویل آن امکانپذیر نیست، مثلاً حیوانی را که فرار کرده بفروشد. چنانکه علم به توانای نیز کافی نیست مگر آنکه با قدرت واقعی توأم باشد. مهر نیز علی‌الاصول نباید از این قاعده بیرون باشد. زیرا در اعتبار قدرت بر تسلیم فرقی بین قراردادهای اصلی و تبعی نیست و تعهد به پرداخت در صورت نبود شرط مخالف، فعلی و حال است بدین معنا که زن به سبب نکاح، مالک مهر می‌شود و می‌تواند به دلخواه هر تصرفی در آن بنماید (ماده 1082 قانون مدنی). بنابراین مطابق قاعده باید مرد در هنگام عقد، قدرت پرداخت مهریه را داشته باشد.

بدین ترتیب سخن برخی استادان حقوق که تعهد مربوط به مهریه‌های سنگین را در صورتی که بیش از امکانات مالی زوج باشد غیرمعتبر دانسته‌اند خالی از اشکال نیست. مهدی شهیدی در این زمینه می‌نویسد: «تعهد مربوط به

مهریه‌های سنگین در صورتی که بیش از امکانات مالی زوج باشد خالی از اشکال نیست. زیرا مثلاً تعهد مهریه یک میلیون تومانی نسبت به زوجی که تمام دارائی‌اش از رقم یکصد هزار تومان و درآمدش از مبلغ چند هزار تومان در ماه تجاوز نمی‌کند تعهدی است که ایفای آن عادتاً غیرمقدور است و نتیجه خود تعهد به علت عدم قدرت بر تسلیم نمی‌تواند اعتبار داشته باشد...» (شهیدی، 1375: 51).

## 9- وضعیت مهریه در صورت بطلان

هرگاه بپذیریم که مهرالمسمی به دلیل غیرمقدور التسلیم بودن باطل است، موضوع حکم صورتی را خواهد یافت که مهریه مجهول باشد و یا مالیت نداشته باشد. در این صورت زن مستحق مهرالمثل است، یعنی مهری که با توجه به وضع شخصی، خانوادگی و اجتماعی زن و با لحاظ اقران و امثال او تعیین می‌شود. هر چند ظاهر قانون مدنی تفاوتی میان قبل از نزدیکی و بعد از آن قائل نشده، اما با توجه به اینکه مهرالمسمی در فقه امامیه که مقررات قانون مدنی محمول بر تبعیت از آن است، در صورتی بر عهده شوهر قرار می‌گیرد که نزدیکی واقع شده باشد، باید گفت زن بعد از عمل زناشویی، مستحق مهر المثل می‌شود (محقق داماد، 1379: 276).<sup>1</sup> با بطلان مهریه قبل از نزدیکی، مستحق هیچ‌گونه مهری نیست جز در صورتی که زن مطلقه شود که در این حال مستحق مهرالمتععه خواهد بود. برای تعیین مهرالمتععه حال مرد از حیث غنا و فقر ملاحظه می‌شود «ماده 1094 قانون مدنی ایران».

قابل ذکر است که هر چند ماده 1093 قانون مدنی به صورتی اشاره دارد که مهر در عقد ذکر نشده «تفویض البضع»، اما تتبع انجام شده نشان می‌دهد تفاوتی میان مواردی که مهر باطل است با موارد مربوط به مفوضه البضع نهناده و در تمامی موارد گفته‌اند با نزدیکی، مهرالمثل بر عهده زوج قرار می‌گیرد و قبل از آن زوجه مستحق دریافت چیزی نمی‌باشد و چنانچه طلاق قبل از نزدیکی تحقق یابد زوج ملزم به پرداخت مهرالمتععه خواهد بود (محقق داماد، 1379: 276).

ممکن است گفته شود، اگر مهر غیرمقدور التسلیم عین معین باشد، مرد موظف است طبق قسمت اخیر ماده 1100 قانون مدنی<sup>2</sup> مثل یا قیمت بدهد (کاتوزیان، 1379: 674). آنچه این گفته را تأیید می‌کند، احترام به قصد طرفین است که اگر عین مهر به دلیلی به مالکیت زن در نیاید، قیمت آن پرداخته شود. منتها چون این نظر در جایی که مهریه مالیت ندارد یا مجهول است قابل اجرا نیست. لذا مورد را باید مشمول قسمت اخیر ماده 1100 دانست. اما باید دانست که این عقیده در ارتباط با کلی و یا تعهد به مهریه‌های کلی و سنگین که محل بحث ماست، قابل اجرا نیست و نمی‌توان در صورت بطلان حکم به مثل یا قیمت داد. چرا که محل فرض مثل یا قیمت، چیزی جز همان مهریه سنگین نیست. بنابراین مسلماً در این فرض باید به اجرای قسمت اول ماده 1100 قانون مدنی اعتقاد داشت.

راه‌حل دیگر که از حیث تطبیق با اراده طرفین سازگارتر می‌باشد، بطلان جزئی مهریه به نسبت میزان غیرمقدور است. برای مثال، اگر میزان مهر تعیین شده هزار سکه باشد و مرد توانایی پرداخت پانصد سکه را داشته باشد، اعتقاد به تجزیه مهر و اختصاص بطلان به همان میزان غیرمقدور، قوی به نظر می‌رسد. قانون مدنی ایران در ماده 372<sup>3</sup> با تجزیه عقد به دو بخش مجزا مانع بطلان کلی عقد شده است. ولی در این‌گونه موارد، به خاطر اینکه تجزیه موضوع، به ذینفع

<sup>1</sup> . بعضی از استادان حقوق ایران اعتقاد دارند که نزدیکی شرط استحقاق مهرالمثل نیست و در این خصوص به دلایلی از جمله ماده 1100 قانون مدنی نیز اشاره کرده‌اند (کاتوزیان، 1371: 24، 125).

<sup>2</sup> . در صورتی که مهرالمسمی مجهول باشد یا مالیت نداشته باشد یا ملک غیر باشد، در صورت اول و دوم، زن مستحق مهرالمثل خواهد بود و در صورت سوم مستحق مثل یا قیمت آن خواهد بود مگر اینکه صاحب مال اجازه نماید.

<sup>3</sup> . اگر نسبت به بعضی مبیع باع قدرت بر تسلیم داشته و نسبت به بعضی دیگر نداشته باشد، بیع نسبت به بعضی که قدرت بر تسلیم داشته صحیح است و نسبت به بعضی دیگر باطل است.



ناآگاه زبانی بار نشود، به او اختیار داده شده معامله را نسبت به بخش درست نیز فسخ نماید. در این صورت مجدداً قسمت اول ماده 1100 قانون مدنی قابل اعمال است.

## نتیجه گیری

از آنچه گذشت نتیجه می گیریم که:

1- مطالعه منابع فقهی نشان می دهد مهریه های سنگین که ادای آن خارج از توان مرد است به علت غیرمقدور التسلیم بودن باطل شناخته نشده اند. چرا که هر چند در فقه مهرالمسمی با توافق طرفین تعیین می شود، اما هیچ گاه به عنوان یک قرارداد از آن یاد نشده است. از طرف دیگر همانطور که می دانیم عمده دلیل ضرورت مقدور التسلیم بودن مورد تعهد، پرهیز از غرر است. درحالی که فقها گاه جریان این قاعده را در مهر به کلی انکار کرده اند و گاه نیز با تجزیه مفهوم غرر متذکر شده اند که، با مشاهده یا توصیف مهر قسم عمده غرر از آن رفع می شود و دلیلی برای پرهیز از قسمت باقی نیست. به عبارت دیگر چون مهر از معارضات محصنه به شمار نمی آید و از طرفی نیز در ادله فقهی از مهر به نحله و امثال آن تعبیر شده، به دست می آید که جریان تمامی ضوابط معاملات در آن مستند به دلیلی نیست.

به عکس بررسی مقررات و مبانی حقوق ایران چند احتمال را به شرح ذیل تقویت می کند:

2- توافق راجع به مهر دارای یک ماهیت قراردادی است و یک عقد تبعی تلقی می گردد. بنابراین قدرت بر تسلیم از شرایط عمومی قراردادهاست و تفاوتی در این زمینه میان عقود اصلی و قراردادهای تبعی مثل شرط ضمن عقد و مهر وجود ندارد.

3- ضرورت وجود شرط «مقدور التسلیم بودن» هر چند به طور کلاسیک در مبحث قواعد عمومی قراردادها مورد بحث قرار می گیرد، اما به واقع قدرت بر تسلیم از شرایط تعهداتی است که در اثر توافقات قانونی افراد بر عهده متعهد قرار می گیرد. بنابراین هر چند دلایل استقلال قراردادی مهریه به کمال نرسد، چون تردیدی در وضعیت الزام آور بودن مهرالمسمی به عنوان یک تعهد تمام عیار نداریم، به همین دلیل نیز باید مقدور التسلیم باشد.

4- «قاعده غرر» به عنوان عمده دلیل مقدور التسلیم بودن مورد عقد یا تعهد اختصاص به چند نوع محدود از عقود ندارد، بلکه دقت در موضوع، از جریان آن در کلیه تعهداتی حکایت دارد که بنای طرفین در تشکیل آنها بر مبانی اغماض و گذشت نیست.

5- هر چند می توان مهریه خارج از توان متعهد را به صورت ضمیمه مهریه مقدور التسلیم قرار داد و بدین ترتیب فرع نیز به تبع اصل صحیح تلقی خواهد شد، اما به نظر می رسد درج عباراتی مثل «عند القدره و الاستطاعه» با عنایت به مبانی حقوق ایران باعث بطلان مهرالمسمی یا تجزیه آن خواهد شد.

## پیشنهادهای

1. به قضات شریف در دادگاه خانواده پیشنهاد می کنیم در اجرای حق حبس در فرضی که رقم مهر بسیار بیشتر از شرایط عادی شوهر بوده و همسر او نیز هنگام عقد از وضعیت او آگاه بوده است، توان مالی مرد را در نظر بگیرند و از حکم به جواز اجرای حق حبس نسبت به تمام مهر به نفع زن در فرض مزبور امتناع ورزند.

2. قدرت بر تسلیم نیز در شروط مهریه در قانون گنجانده شود و ثانیاً حق حبس مذکور در ماده 1085 ق.م. را در فرض سنگین و نامتعارف بودن میزان مهر تعدیل نماید.

3. ارتقای سطح آگاهی و بینش جوانان و خانواده ها درباره مهریه، از سوی متولیان جامعه. به عبارت دیگر، رسانه ها و سازمان های دولتی و غیر دولتی و مبلغان دینی با ترویج مهرالسنة، به منزله سنت رسول خدا (ص)، می توانند گام مؤثری در این باره بردارند. در این باره متولیان امر می توانند با اعمال سیاست های تشویقی در جهت گرفتن مهریه سبک قدم بردارند.

## منابع

### فارسی

1. آشتیانی میرزا محمود. (بی تا). «کتاب النکاح تقریرات بحث آیت الله حائری». چاپخانه خراسان: مشهد.
2. انصاری مرتضی. (1415ق). «کتاب نکاح»، چاپ 1، مؤسسه الکلام و مؤسسه الهادی.
3. انصاریان حسین. (1376). «نظام خانواده در اسلام»، انتشارات ام ابیها: قم.
4. دهخدا علی اکبر. (1373). «لغت نامه»، جلد 13، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران: تهران.
5. رفیع پور فرامرز. (1378). «آنومی یا آشفنگی اجتماعی: پژوهشی در زمینه پتانسیل آنومی در تهران»، انتشارات سروش: تهران.
6. جعفری لنگرودی، محمد جعفر. (1376). «حقوق خانواده»، گنج دانش: تهران.
7. جعفری لنگرودی، محمد جعفر. (1372). «ترمینولوژی حقوق»، چاپ 6، گنج دانش: تهران.
8. حبیبی تبار جواد. (1380). «گام به گام با حقوق خانواده»، نشر خرم: تهران.
9. شهیدی مهدی. (1375). «مجموعه مقالات»، «مجموعه مقالات»، چاپ 1، نشر حقوقدانان.
10. صفایی سید حسن و امامی اسدالله. (1376). «مختصر حقوق خانواده»، نشر دادگستر، تهران.
11. طاهری حبیب الله. (1418 ه ق). «حقوق مدنی»، جلد 3، دفتر انتشارات مدرسه اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم: قم.
12. طباطبایی بروجرودی حسین بن علی. (1348 ه ش). «محشی» (رساله علمیه توضیح المسائل): قم.
13. کاتوزیان ناصر. (1379). «قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی»، چاپ 4، نشر دادگستر.
14. قرضاوی یوسف. (بی تا). «دیدگاههای فقه معاصر»، جلد 3، ترجمه احمد نعمتی، نشر احسان: تهران.
15. معین محمد. (1347). «فرهنگ فارسی متوسط»، جلد 4، انتشارات امیرکبیر: تهران.
16. محقق داماد سید مصطفی. (1376). «بررسی حقوق خانواده نکاح و انحلال آن»، نشر علوم اسلامی: تهران.
17. محقق داماد سید مصطفی. (1379). «حقوق خانواده»، چاپ 7، مرکز نشر علوم اسلامی.

### عربی

18. انصاری مرتضی. (1347). «کتاب المکاسب»، جلد 2، چاپ 2، انتشارات دهقانی.
19. البستانی بطرس. (1993م). محیط الحمیط «قاموس مطول للغة العربیة» چاپ مکتبه لبنان ناشرون: بیروت.
20. حلی ابن ادریس، محمد بن منصور بن احمد. (1410 ه ق). «السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی»، جلد 2، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم: قم.
21. حلی علامه حسن بن یوسف بن مطهر اسدی. (1420 ه ق). «تحریر الأحکام الشرعیة علی مذهب الإمامیة»، جلد 3، مؤسسه امام صادق علیه السلام: قم.
22. خمینی، سید روح الله. (1403ق). «تحریر الوسیله» جلد 2، چاپ 4، منشورات مکتبه الاعتماد.
23. راوندی قطب الدین سعید بن عبدالله. (1405 ه ق). «فقه القرآن»، جلد 2، انتشارات کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی: قم.
24. طوسی ابوجعفر محمد بن حسن. (1407ق). «الخلاف»، ج 4، چاپ 1، دفتر انتشارات اسلامی: قم.

25. طوسی ابوجعفر، محمدبن حسن. (1378هـ ق). «المبسوط فی فقه الامامیة»، جلد 4، المكتبة المرتضویة لاحیاء الایثار الجعفریة: تهران.
26. غزالی ابو حامد. (1402). «احیاء علوم الدین»، جلد 2، دارالمعرفة: بیروت.
27. نجفی محمد حسن. (1367). «جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام»، جلد 22، چاپ 23، دارالکتاب اسلامیة.
28. مامقانی شیخ عبدالله. (1404ق). «مناهج المتقین فی فقه ائمة الحق و الیقین»، مؤسسه ال بیت: قم.

#### مقالات و رساله‌ها

29. امانی نمینی محمود. (1386). «ماهیت مهر و نقد مهریه‌های سنگین»، میان رشته‌ای مقالات و بررسی‌ها، شماره 86، صفحات 31 الی 44.
30. یوسف زاده، حسن. (1384). «پایش جامعه شناختی مهریه»، مجله علوم اجتماعی مطالعات راهبردی زنان، شماره 27، صفحات 61 الی 66.
31. کاظمی، وحید. (1393). «تحلیل فقهی - حقوقی مشروعیت (حدود اعتبار) مهریه‌های سنگین و نامتعارف»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علوم تحقیقات یزد.